فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۸، تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۷۴-۲۵۹
New Period, No 28, 2020, P 259-274
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

واکاوی چالش‌های دموکراسی در جوامع متمدن با تاکید بر تاثیرپذیری آنها از قرارداد اجتماعی ژان ژاک روسو

دکتر رضا پریزاد[1]. حمیدرضا محمدی[2]
۱. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
r_parizad@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی مسائل ایران دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، ایران
mhhamidrezamohamadi@gmail.com

چکیده

چالش‌های دموکراسی در جوامع متمدن معمولا متمرکز بر چگونگی ساختار ارتباط دولت و ملت است و بنابر عوامل سیاسی و اجتماعی گوناگون چهره‌ی سیاست قابل تغییر است اما بنیاد اصلی که همان قرارداد اجتماعی است خود علتی است برای تغییر از یک نقطه به یک نقطه ی ایده‌آل. دموکراسی تاثیرپذیر است قرارداد اجتماعی است که عامل اصلی دموکراسی یک قرارداد متقابل بین دولت و ملت برای رسیدن به سعادت نهایی است. لذا هدف ما در این تحقیق تبیین تاثیرپذیری دموکراسی مدرن از قرارداد اجتماعی ژان ژاک‌روسو است که بسیار بر زیربنای دموکراسی و مردم سالاری در جوامع مدرن مساعدت ورزیده است. روش تحقیق نیز در نوشتار حاضر کتابخانه‌ای بوده و به صورت توصیفی _ تحلیلی انجام می‌گیرد. نتیجه نیز حاکی از آن است که تاثیر قرارداد اجتماعی بر جوامع مدرن به گونه‌ای بوده است که دموکراسی در این جوامع بدون الهام گرفتن از نظریه ژان ژاک روسو مبتنی بر قرارداد اجتماعی، معنایی پیدا نمی‌کند.

واژه‌های کلیدی: قرارداد اجتماعی طرف دموکراسی، تاثیرپذیری، جوامع مدرن، چالش‌ها

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

مقدمه

دموکراسی یکی از مفاهیم قدیمی اما از خصیصه‌های جوامع مدرن است که در سال‌ها مختلف و در سیستم جغرافیایی مختلف دچار تغییر و تحولات بسیاری شده است حتی تعاریف گوناگونی نیز برای آن در جوامع مختلف وجود دارد. در واقع دموکراسی به معنای کلی مردم سالاری است که در جوامعی کاربرد دارد که اصل را بر حق‌مداری مردم می‌گذارند. همچنین دموکراسی از جمله مفاهیمی است که شناخت دقیق آن در دوران مدرنیسم اتفاق افتاده است و بر اساس یک قرارداد اجتماعی بین مردم و حکومت اجازه ی مشارکت در تعیین سرنوشت کشور داده می شود. ضمن روی آوردن اکثر کشورهای جهان به دموکراسی و نظام دموکراسی محوری هنوز سیستم دقیقی از آن وجود ندارد و ماهیت آن ممکن است در کشورهای مختلف نمودهای مختلفی نیز داشته باشد که البته این همبستگی به تاریخ استقرار نظام دموکراسی در آن کشور دارد. کشورهای توسعه نیافته یا جهان سوم از جمله کشورهایی هستند که سیستم دموکراسی دیرتر از کشوهای توسعه در آن‌ها مستقر شده و به همین دلیل نیز تفاوت‌هایی در دموکراسی کشورهای توسعه نیافته با کشورهای توسعه یافته وجود دارد. مسئله‌ی دموکراسی از جمله مواردی است که می‌بایست در ماهیت جامعه تلفیق شود تا بتوان سیستم را کاملا دموکراتیک نماید. این مسئله چالشی‌های زیادی را در کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است و همچنین باعث ایجاد تفکرات بسیار نیز شده است. البته برداشت فراگیر از دموکراسی توقع ذهنی جامعه را به سطحی رسانده است که حکومت را به ایجاب درخواست خود مبنی بر رفتار دموکراتیک وا می‌دارد. اما با همه ی این اوصاف دموکراسی در تمدن‌های مدرن ریشه ای عمیق در فلسفه‌ی غرب دارد و از افلاطون و ارسطو تا ژان ژاک روسو که قرارداد اجتماعی را تئوریزه نمود، دنبال می‌شد.

تعریف مفاهیم

مفاهیم دمکراسی

دمکراسی آن چنان که از یونان باستان به جا مانده است، به معنای حکومت مردم به وسیله مردم و برای مردم است، لیکن این اصطلاح از آن زمان تاکنون، تحولات بسیاری را پشت سر گذاشته است، به نحوی که در اندیشه‌های سیاسی از آن به عنوان مفهومی پیچیده و اختلافی یاد می‌کنند که برای هر گروه معنای خاصی دارد. در این جا مهمترین مفاهیم آن را بررسی کرده و پس از جمع‌بندی، ارتباط دمکراسی با پاسخگویی مردمی را مورد توجه قرار می‌دهیم.

دموکراسی در قرارداد اجتماعی

آن که قانون را وضع نموده از هر کس بهتر می‌داند چگونه آن را باید اجرا کند، یا تعبیر و تفسیر نماید. بنابراین در وهله اول چنین به نظر می‌رسد که بهترین تشکیلات سیاسی آن است که قوه مجریه ضمیمه قوه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

مقننه گردد. ولی همین اختلاط دو قوه سبب بعضی معایب حکومت دموکراسی می شود، زیرا دو موضوع که باید تفکیک شده باشد به هم آمیخته است و چون هیأت حاکمه با حکومت یکی هستند، مثل این است که حکومتی وجود نداشته باشد.

به هیچ وجه صلاح نیست واضع قوانین، مجری آن هم باشد و عموم ملت (که هیأت حاکمه را تشکیل می‌دهد) فکر و وقت خود را از مسایل کلی دور کند و متوجه امور جزئی نماید. هیچ چیز خطرناک تر از تأثیر منافع شخصی در مسایل عمومی نیست و سوء استفاده اعضای حکومت کمتر از فاسد شدن اخلاق قانون‌گذار، که نتیجه اعمال نظریات شخصی است، ضرر می‌رساند. زیرا در حالت دوم امور کشور و ملت اساسا خراب می‌شود به شکلی که اصلاح آن محال خواهد بود. (روسو، ۱۳۹۶، ص ۱۳۴)

هیچوقت در دنیا حکومت دموکراسی به مفهوم واقعی آن (به معنایی که روسو برای آن ذکر کرده) وجود نداشته و نخواهد داشت زیرا برخلاف نظم طبیعی است که اکثریت افراد ملت فرمان دهند و اقلیت فرمان برند. دیگر آن که ممکن نیست مردم مملکت هر روز برای تمشیت امور کشور گرد هم آیند. و اگر بخواهند برای این منظور کمیسیون‌هایی از طرف خود انتخاب نمایند، طرز اداره امور عوض می‌شود. در حقیقت اصلی است کلی، که هر وقت کارهای حکومت بین چند تن اعضای انجمن تقسیم می‌شود، آن انجمن‌هایی که کم تر عضو دارند دیر یا زود نفوذ و قدرت بیشتری پیدا می‌کنند. زیرا چون کارها را زودتر فیصله می‌دهند، بیشتر به ایشان مراجعه می‌شود.

به علاوه، برای این که حکومت دموکراسی وجود داشته باشد شرایط متعدد و سختی لازم است به شرح زیر: مملکتی بسیار کوچک که بتواند به آسانی مردم آنجا را جمع نموده، و هر یک از افراد به سهولت و خوبی سایرین را بشناسد.

۲. اخلاق و آداب و رسوم بسیار ساده که از پیدایش عده زیادی مسایل مورد طرح و مباحثات و مشاجرات طولانی و پر پیچ و خم مانع گردد.

۳. تساوی در مقام و دارایی، زیرا بدون آن، مساوات در حقوق و اختیارات چندان دوامی ندارد.

۴. فقدان یا حداقل تجمل. زیرا تجمل یا نتیجه ثروت است یا محرک جمع ثروت. تجمل، غنی و فقیر را فاسد می‌کند: اولی را به واسطه داشتن تجمل، و دومی را به واسطه حسرت نداشتن آن. تجمل سبب می‌شود که انسان وطن خود را در راه آسایش طلبی و خودپسندی بفروشد، تجمل مردم را از متابعت دولت باز می‌دارد، بعضی از آنها را بنده بعضی دیگر و همه را تابع عقاید عمومی و پایبند مراسم جاریه می‌کند. بدین جهت است که یکی از نویسندگان معروف تقوا را اساس حکومت جمهوری دانسته است، زیرا بدون وجود آن، هیچ یک از شرایط فوق موجود نخواهد بود. لیکن این شخص بزرگ نظری کاملا روشن نداشته و نفهمیده است که چون اختیارات هیأت حاکمه همه جا یکسان است (یعنی متعلق به ملت است)، هر

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

مملکتی که بر روی پایه صحیح تشکیل یافته، تقوا بنیان ساختمان آن است. (روسو، ۱۳۹۶، ص ۱۳۵) منتهی شکل حکومت در این اصل کلی کم یا بیش دخالت دارد.

و نیز باید دانست که هیچ نوع حکومتی به اندازه حکومت دموکراسی در معرض خطر جنگ‌های داخلی و انقلابات درونی قرار ندارد. زیرا هیچ حکومتی این طور دائما متمایل به تغییر شکل نیست و نگاه داشتن آن به شکل اول این اندازه کوشش، فداکاری و شجاعت لازم ندارد. مخصوصا در این نوع حکومت است که شخص وطن پرست باید دارای نیروی اراده و ثبات قدم باشد و هر روز در دل خود این عبارت را که یکی از رجال عالی رتبه و با تقوای لهستان در مقابل مجلس شورای مملکت خود می‌گفت، تکرار نماید: «آزادی را با مخاطرات آن به مراتب بیش تر از بندگی با آسایش دوست می‌دارم.»

اگر در دنیا ملتی از خدایان یا فرشتگان تشکیل می شد، حکومت دموکراسی را انتخاب می نمود، زیرا حکومتی به این خوبی و کمال برای آدمیزاد مناسب نیست.

دمکراسی محدود یا شومپیتری

ژوزف شومپیتر در تعریف دمکراسی می‌گوید: دمکراسی یک تاسیس اجتماعی است که افراد و گروه‌ها را برای کسب قدرت تصمیم گیری سیاسی از طریق آزادی مردم و از مسیر رقابت سیاسی، توانا می‌سازد. دمکراسی در نظر وی یک نوع روش سیاسی یا یک نوع ترتیب سازمانی برای تصمیم‌گیری سیاسی - قانونگذاری و اداری است». (James L Lylnad,1995 , 163) در این نظریه دمکراسی ارزش ماهوی با محتوایی ندارد بلکه بیشتر دارای ارزش ابزاری است و آن چه در این نوع تاسیس اجتماعی اهمیت دارد، رعایت رقابت و مشارکت است، هرچند به صورت محدود و در درون رژیم های متمرکز سیاسی و تک حزبی باشد.

دمکراسی اکثریتی یا پاپیولار

مطابق این نظریه، دمکراسی بعد ماهوی وسیعتری از بعد ابزاری دارد. مهمترین ارزش دمکراسی، اقدام به تصمیم‌ها و انتخاب افراد جامعه به عنوان انسان‌هایی آزاد، مختار و برابر، در مقایسه با حکومت تعدادی اندک بر اکثریت افراد جامعه است. در این نوع دمکراسی، احترام به نظر اکثریت و خواست آنان از طریق رعایت شرایط برابر و حق رأی مساوی شهروندان، ارزش بنیادین و محتوایی محسوب می‌شود. سوال مهمی که این رویکرد در حوزه مدیریت دولتی و نظام اداری مطرح می کند این است که ایا مأموران دولتی باید تابع محض اشخاص سیاسی منتخب مردم مانند رئیس جمهور و وزرا باشند یا نگهبان ارزش‌های مردمی، هرچند با تصمیم‌ها و خواست اشخاص مذکور ناسازگار باشد. (Amy Gutmann, 1993, 412-413)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

دمکراسی اجتماعی یا لیبرال

در مقایسه با دمکراسی اکثریتی، در این نظریه، احترام به نظر اکثریت تا جایی امکان‌پذیر است که ارزش‌های بنیادی از قبیل حقوق و آزادی‌های فردی، آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی مالکیت، آزادی احزاب و جمعیت‌ها و نیز آزادی دستیابی مناصب و مشاغل حکومتی و دولتی، پایمال نشود. حق‌ها و آزادی‌های بنیادین نباید به وسیله خواست اکثریت بیانیه‌های حزبی و سیاسی مقطعی و دوره ای یا زودگذر نقض شوند[1]

بنابراین، در این نظریه اولویت از میان مفاهیم و ارزش ها با حقها و آزادی هاست. در این نوع دمکراسی، پاسخگویی و نظارت بیرونی دولت و ماموران دولتی از طریق کنترل قضایی دادگاه‌ها، سیستم توازن و تعادل قوا، حاکمیت قانون و دستورگرایی، مدلل و موجه تلقی می‌شود. این نظریه مدافع و پشتیبان حقوق گروه‌ها و اقلیت‌های سیاسی و اجتماعی در برابر خواست اکثریت حاکم می‌باشد. بنابراین، پاسخگویی سیاسی و حقوق ارگان‌های انتخابی و مردمی در مقابل یکدیگر مانند تاثیر و تاثر پارلمان ها و مجریه‌های انتخابی بر یکدیگر در چارچوب قانون اساسی و پاسخگویی مقامات سیاسی، نمایندگان مجالس قانونگذاری و نیز بوروکرات‌ها به قضات غیرمنتخب مانند آن چه در لیبرال دمکراسی های فعلی مشاهده می‌شود، قابل توجیه و دفاع خواهد بود. (Leslie Friedman Goldstein, 1995, p195)

بین مصوبات نمایندگان مجالس قانونگذاری و حق‌ها و آزادی‌های فردی هنگامی اختلافات بروز می‌کند که قوانین مصوب پارلمان یا مجلس قانونگذاری و یا مقررات تعارض قرار گیرد. در این موارد، دادرسان دادگاه‌های عالی برای رسیدگی به چنین تعارضی ماموریت می یابند تا در صورت رسیدگی و صحت موضوع و نقض حقوق بشر، مطابق قانون اساسی، قانون یا تصمیم مصوب را نقض کنند. هم چنین مدافعان این نوع دمکراسی بر این باورند که در واقعیت، افراد جامعه‌شانس بسیار کمتری دارند که بر روی تصمیم‌های دولتی و حکومتی تاثیر گذارده یا به طور معناداری در فرایند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت فعال داشته باشند. لذا معتقدند راه‌حل‌های دیگری باید وجود داشته باشد تا چنین نقیصه ای را برطرف سازد. به این دلیل، نظریه دیگری به نام دمکراسی مشارکتی شکل گرفت.

۱- دسته بندی دموکراسی به اکثریتی و اجماعی منسوب به لیپهارت است. دموکراسی اکثریتی مبتنی بر نظام انتخاباتی اکثریتی یا نخست گزینی است که یک حزب قدرتمند حتی با آرامی نسبتا کمی اکثریت مجلس قانونگذاری را به دست می آورد و به اصطلاح بر مبنای قاعده «طرف پیروز همه چیز را می برده انحصارگرایانه همه چیز را تعیین می کند. در مقابل چنین مفهومی، دموکراسی اجماعی با نظام های انتخاباتی تناسبی سازگاری بیشتری دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

تفهیم انتخابات در قرارداد اجتماعی (دموکراسی پذیری)

برای انتخاب رئیس حکومت و مأمورین عالی رتبه آن، که عمدی است مشکی. ده راه موجود است: یکی قرعه کشی و دیگری اخذ آرا. هر دوی این دو راه در جمهوری‌های مختلف به کار رفته است و هنوز هم در انتخاب دژ در کشور و نیز هر دوی آنها را با هم به کار می برند. مونتسکیو می گوید: «انتخاب به وسیله قرعه کشی مناسب حکومت دموکراسی است.» این مطلب را قبول دارم. اما دلیلش چیست؟ مونتسکیو بیانات خود را بدین طریق ادامه می‌دهد: «انتخاب به وسیله قرعه کشی نارضایتی احدی را فراهم نمی‌آورد و هر یک از افراد کشور را امیدوار می سازد بتواند به کشور خود خدمت کند. » ولی هیچ کدام اینها دلیل نمی‌شود. اگر در نظر بگیریم که انتخاب رؤسا وظیفهٔ حکومت است نه هیأت حاکمه، ملتفت خواهیم شد به چه جهت قرعه کشی با ماهیت حکومت دموکراسی بیشتر وفق می‌دهد. در حقیقت در این نوع حکومت هر قدر دخالت مردم کمتر باشد اداره مملکت بهتر صورت می‌گیرد. (روسو، ۱۳۹۶، ص ۱۹۱)

در تمام دموکراسی‌های واقعی ریاست منفعت ندارد، بلکه مأموریتی است پرضرر و پرزحمت، و دور از انصاف است که آن را به شخصی به خصوص تحمیل کنند. ولی قانون می تواند این مأموریت را به کسی تحمیل کند که قرعه به نام او اصابت نموده است. زیرا در آن صورت چون وضعیت برای همه یکسان است و بستگی به اراده افراد ندارد، قانون در مورد شخص خاصی اعمال نمی‌شود، و به کلی بودن آن لطمه نمی‌رسد. در دولت اشرافی (آریستوکراسی) حکومت هیأت زمامداران را انتخاب می‌کند، یعنی بقای خود را تثبیت می‌نماید. بدین جهت انتخاب به وسیله اخذ آرا مناسب‌تر است. روسو، ۱۳۹۴، ص ۱۹۱)

طرز انتخابات دژ و نیز این تمایز را منکر نمی‌شود، بلکه تأیید می‌نماید. در حقیقت اختلاط دو طرز انتخاب برای حکومت ونیز که مختلط است خیلی مناسبت دارد. زیرا آنهایی که آن حکومت را اشرافی صرف می‌دانند، اشتباه می‌کنند در حقیقت راست است که توده ملت هیچ گونه دخالتی در این نوع حکومت ندارد، ولی دخالت اشراف هم در آن فقط ظاهری است. زیرا آنها جزء توده محسوب می‌شوند. درواقع طبقه اشراف و نیز از گروهی بینوا موسوم به «برنابوت» تشکیل یافته است که کوچکترین مقامی در حکومت نداشته فقط به لقب خشک و خالی جناب اشرف و حق حضور در شورای کبیر قناعت می‌کنند.

این مجلس مانند شورای عمومی ما در ژنو، عده زیادی عضو دارد و رجال بزرگی که به عضویت آن مفتخر هستند امتیازاتی بیشتر از ستواین های ما ندارند. یقین است اگر از اختلافات بزرگ دیگری که بین این دو جمهوری یافت می‌شود صرف نظر کنیم، طبقه بورژواهای ژنو کاملا نظیر پاتریارش‌هایه ونیز است، بومی‌های ما به سیتادن های ملت و نیز شباهت دارند و بالاخره دهاتی‌های ما شبیه به رعایای خشکی آن مملکت هستند. به هرحال صرف نظر از وسعت خاک، از هر حیث که این جمهوری را در نظر بگیریم،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

حکومت آن از حکومت ما اشرافی‌تر نیست. فقط اختلاف در این است که چون رؤسای ما مادام العمر انتخاب نمی‌شوند، تعیین آنها احتیاج به قرعه کشی ندارد. (روسو، ۱۳۹۴، ص ۱۹۳)

در دموکراسی‌های واقعی، به واسطه این که همه افراد از حیث اخلاق، لیاقت، طرز فکر و دارایی شبیه به هم هستند، انتخاب زید به جای عمرو زیاد مهم نیست، بنابراین عمل قرعه کشی چندان عیب ندارد. ولی در پیش گفتیم دموکراسی واقعی جایی یافت نمی‌شود.

در ممالکی که به جهت انتخاب زمامداران، هم رأی می گیرند هم قرعه می کشند، برای مناصبی که احتیاج به مهارت خاص دارد، مانند مشاغل نظامی، اخذ آرا بهتر است. ولی برای امور عادی که فهم و شعور، عدالت و صحت عمل کافی است، مانند امر قضاوت، قرعه‌کشی کفایت می‌کند. زیرا دولتی که خوب تشکیل شده باشد، صفات مزبور در همه افراد وجود دارد.

در حکومت سلطنتی نه رأی دادن مناسبت دارد نه قرعه‌کشی، چون پادشاه حقاً زمامدار منحصر به فرد است. انتخاب نواب و مأمورین او فقط به عهده خودش است. موقعی که آبه دو سنت پیر پیشنهاد می نمود که تعداد شوراهای سلطنتی فرانسه را زیاد کرده برای انتخاب آن رأی بگیرند، ملتفت نبود که پیشنهاد می‌نماید شکل حکومت کشور تغییر یابد.

حال فقط چیزی را که نگفته‌ام، طرز رأی دادن و رأی گرفتن در مجالس ملی است، لیکن شاید شرح تشکیلات سیاسی و اجتماعی دولت روم، دستوراتی را که می خواهم بدهم بهتر روشن نماید. برای خواننده دقیق و چیزفهم عیب ندارد بداند در یک شورای دویست هزار نفری کارهای عمومی و خصوصی را چگونه حل و فصل می کردند.

دموکراسی مشارکتی تاثیرپذیر از قرارداد اجتماعی

در مقایسه با دمکراسی های مستقیم دولت به شهرهای یونانی، دمکراسی‌های مدرن نماینده سالار، فرصت‌ها و فضای کمتری برای مشارکت فعال افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کنند. بنابر این نظریه، گروه‌ها و افراد برای تداوم و بقای ارزش‌های مردمی باید به طور موثر تری در فرایند تصمیم‌گیری‌های حکومتی و سیاسی و اداری مشارکت کنند و به صرف رأی دادن به نمایندگان خود در مقاطع و دوره‌های انتخاباتی بسنده نکنند. برای استفاده بهینه از منابع و درآمدها و فرصت‌های دولتی، مشارکت موثر مردم تأمین‌کننده درجه حداقلی از اثربخشی و کارآیی در بهره‌برداری از چنان منابعی خواهد بود. و جو سوءاستفاده‌های کلان، فساد وسیع اداری و نقض حقوق شهروندی به وسیله دستگاه‌های دولتی در بسیاری از جوامع ناشی از فقدان چنین مشارکت و نظارت همگانی است.

مشارکت مبتنی بر حق برابر هر یک از شهروندان باید هم در فرایند اجرایی اهداف و برنامه‌ها و قوانین و سیاست‌ها صورت گیرد و هم در فرایند تعیین و تشخیص اهداف و سیاست‌ها مورد توجه باشد. به علاوه،

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

مشارکت، فرصت سوءاستفاده از قدرت و منابع مالی عمومی به وسیله ماموران دولتی را کاهش می‌دهد، لذا این نظریه با ارائه راهکارها و ساز و کارهای موثرتری، روش مطمئن دخالت و پاسخگویی برای رسیدن به نتایج و تصمیم‌گیری‌های آگاهانه تر را به طور موثرتر و صحیح‌تری پیشنهاد می‌کند. به این دلیل، مقامات دولتی نه فقط باید به نهادها و سازمان‌های حقوقی، سیاسی و اداری پاسخگو باشند، بلکه به طور کلی باید نسبت به عموم مردم به روش مشاوره، تحقیقات و مصاحبه‌های عمومی و جبران خسارت و همچنین به سازمان‌های مصرف‌کننده، مطبوعات و گروه های ذینفع و اجتماعی جواب گو باشند. (زارعی، ۱۳۹۴، ص ۲۶۲)

دمکراسی اندیشمندانه تاثیرپذیر از قرارداد اجتماعی

مطابق این نظریه، حفظ حق خودمختاری و حرمت انسانی افراد جامعه برای تعیین سرنوشت خود فقط از مسیر تعامل طرفینی، عقلانی و گفتمانی در جامعه امکان‌پذیر است. در جوامع دمکراسی، جامعه از طریق عقل جمعی و گفت‌وگوهای همگانی به حل و رفع مسائل اجتماعی و تصمیم‌های مهم در تخصیص منابع و کالاهای عمومی می‌رسند و با این روش افراد به طور اندیشمندانه و آگاهانه در تصمیم گیری های مهم دخالت می‌کنند.

این نظریه وجوه مشترکی با سایر نظریه‌ها دارد. با نظریه دمکراسی لیبرال در حفظ حرمت و خودمختاری افراد مشترک است. با دمکراسی مشارکتی دارای رویکرد همگانی است و با دمکراسی اکثریتی از دیدگاه ارزش اراده عموم مردم در جریان تصمیم‌گیری‌های مهم، نقاط مشترک دارد. لازمه تحقق کامل اصل خود مختاری و حرمت افراد انسانی، وجود مساحت و قلمروی آزاد برای تصمیم‌گیری واقعی و معنادار آحاد ملت است و لازمه چنین مساحت و قلمرویی، وجود فرصت های بیشتری برای دخالت و مشارکت است و اراده عمومی نیز از طریق همان مشارکت و عقلانیت همگانی، دست یافتنی است.

به طور خلاصه، دمکراسی «تضمین سازمانی اصل برابری افراد در فرایندهای تصمیم‌گیری است. لذا هریک از شهروندان می‌توانند با حق برابر در این فرایند بر تصمیم های نهایی مقامات و مدیران سیاسی و اداری درباره توزیع ثروت، منابع، فرصت‌ها، مشاغل و پست‌ها تاثیر بگذارند. (همان، ص ص ۲۶۳)

برداشت فراگیر از دموکراسی در ملت متمدن

بر خلاف مفهوم حداقلی دمکراسی، مفهوم فراگیر دمکراسی دربردارنده ارزش‌ها و الگوی رفتاری و زندگی اجتماعی است، از قبیل تساهل و مدارا، کثرت‌گرایی، پذیرش تفاوت و دگراندیشی، حق‌ها و آزادی‌های فردی، انتقادپذیری، ساخت غیر متمرکز قدرت سیاسی، جامعه مدنی، انتقال پیوسته قدرت سیاسی، و راهکارهای تضمین ارزش های فوق از طریق حاکمیت قانون. (بیتام، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰-۱۰۱)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

دمکراسی که متضمن اصول برابری سیاسی و نظارت همگانی است، سازوکارها و راهکارهای متفاوت سیاسی، شهروندی و قضایی لازم جهت پاسخگویی مؤثر دولت و نهادهای سیاسی مانند مطبوعات آزاد و مستقل، احزاب سیاسی منتقد و نهادهای قضایی مستقل و بی‌طرف را در بر دارد. در این رابطه، دمکراسی به منظور تضمین این امر که مقامات حکومتی در چارچوب صلاحیت‌های قانونی واگذار شده از سوی پارلمان عمل کنند و شهروندان در برابر سوء استفاده از اختیارات و سوء مدیریت آنان مصون باشند، به حکومت قانون احتیاج دارد. به این لحاظ، وجود نظام قضایی و دادگاه‌های مستقل و کارآمد برای تحقق پاسخگویی حقوقی حکومت از ضروریات دمکراسی است. دولت پاسخگو و شفاف از عناصر اصلی یک نظام دموکراتیک است. در چنین نظام‌هایی دولت حداقل دو گونه پاسخگویی مهم به مردم دارد: یکی مسئولیت حقوقی و قضایی در مقابل محاکم و دیوان‌های اختصاصی اداری یا شبه قضایی در رابطه با پایبندی مقامات حکومتی به قانون و دیگری پاسخگویی سیاسی به پارلمان و مردم در مورد اقدامات و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت. چنین مفهومی از دمکراسی دارای چنان گستره و دامنه‌ای است که می‌تواند مبانی توجیه‌ی کنترل قضایی مصوبات نهاد دموکراتیک پارلمان را فراهم آورد. به این تعبیر، قضات منصوب غیرانتخابی و احکام و تصمیم‌های دادرسان محاکم عالی قضایی در رد و ابطال قوانین مصوب پارلمان‌های انتخابی دارای توجیه و مشروعیت سیاسی و حقوقی دموکراتیک خواهد بود، زیرا دفاع قضایی از اراده عمومی تجلی یافته در اصول قانون اساسی و یا حراست از حق‌های فردی در مقابل تعدی قانونگذاران که به صورت گذرا و دوره ای مقام قانونگذاری را احراز می کنند، از لوازم و ضروریات اراده دموکراتیک مردم است. به عبارت دیگر، دادرسان به نام حفظ ارزش های دموکراتیک به ابطال و کنترل قضایی مصوبات نمایندگان پارلمان دموکراتیک می‌پردازند. برخی در مقابل دمکراسی شکلی یا صوری، که تنها متکی به رعایت یک یا چند شاخصه از انتخابات دموکراتیک است، دمکراسی ماهوی را به کار برده‌اند؛ منظور آنها این است که چنان چه دمکراسی به مفهوم صرف رعایت عدالت و برابری انتخاباتی باشد، درک درستی از دمکراسی نداشته ایم، زیرا قانونگذاران و سیاستمداران و دولتمردان آمادگی زیادی برای فساد در جریان قانونگذاری به نفع گروه های خاص و اقلیت ثروتمند دارند که نهایتا اراده و خواست مردم را منحرف می کنند. چنانچه دمکراسی به مفهوم صرف انتخاب نمایندگان پارلمان باشد، می تواند منجر به رژیم های به ظاهر دموکراتیکی شوند که ماهیتا پلوتوکراتیک یا الیگارشی هستند.

دلایل دفاع از دموکراسی با تاثیر از قرارداد اجتماعی

دلایل دفاع از موکراسی در ایران به نوع ذهنیت دینی و ارجحیت آسایش امت اسلامی مرتبط است. همانطوری هم که در قانون اساسی کشور ایران تصریح گشته است، مردم سالاری دینی یکی از اصول تشکیل نظام جمهوری اسلامی می باشد و بر همین اساس می‌توان از دموکراسی برای تامین آزادی ها و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

انتخاب‌های مردم استفاده نمود که دین اسلام نیز بر همین موضوع تاکید دارد. از این بابت می توان اذعان داشت که دمکراسی دارای مفاهیم و ابعاد مختلفی است که دلایل و توجیهات بسیاری برای آن برشمرده‌اند. مهمترین دلایل مورد قبول نظریه‌های موجود درباره ی دموکراسی که به نوعی در جامعه‌ی ایران نیز پذیرفته شده است، عبارتند از:

الف: فرایند دموکراتیک در جوامعی که افراد و گروه‌های زیادی دارای منافع و دیدگاه‌های متفاوتی هستند، یکی از موثرترین روش‌های حل اختلاف‌های سیاسی و اجتماعی است و چنین روشی نسبت به سایر روش ها بر تامین نظرات مشترک در وضعیت‌های اختلافی و تعارضی، تواناتر است.

ب: دخالت هرچه بیشتر مردم در روند حکومت‌داری از بهترین روش‌های موجود برای کنترل و محدودیت سوء استفاده از قدرت عمومی به شمار می‌آید. (Gutmann, 1993, 411)

ج: در اجتماع افراد برابر و مساوی، وجود فرایند مردمی می‌تواند در ارتقای کیفیت و استاندارد زندگی افراد جامعه تاثیر مهمی داشته باشد.

د: از دیدگاه روابط انسانی و اخلاقی، فرایند مشارکت موجب بالا رفتن روحیه تعادل و انسجام و وحدت اجتماعی شده و تعامل اجتماعی در میان افراد و گروه‌های جامعه، صرف نظر از آثار مهم آن، دارای ارزش اجتماعی و اخلاقی است.

ه: فرایند مشارکت مردمی دارای ارزش معرفت‌شناسی است، به این مفهوم که مشارکت در حوزه اجتماعی و سیاسی و اداری، موجب ظهور بازار آزاد اندیشه‌ها و رویکردهای متفاوت از حقیقت واحد شده و در نتیجه شناخت دقیق‌تر و واقعی تری از مسائل و مشکلات و راهکارهای اجتماعی حاصل خواهد شد.

نشانه‌های حکومت خوب در قرارداد اجتماعی با تاثیر بر پاسخگویی سیاسی

هر وقت به طور مطلق می‌پرسند چه نوع حکومتی از همه خوب‌تر است. مسئله‌ای را طرح می نمایند که هم غیرقابل حل و هم مبهم است. به عبارت دیگر شماره جواب‌های صحیح مسئله بستگی به تعداد ترکیباتی دارد که از وضعیت مطلق و نسبی ملل می‌توان ترتیب داد. لیکن اگر سوال کنند بر اساس چه علایم و نشانه‌هایی می‌توان پی برد که حکومت یک مملکت برای افراد آن خوب است یا بد، مسئله صورت دیگری پیدا می‌کند و ممکن است حل شود. (روسو، ۱۳۹۶، ص ۱۵۶)

اگر این مسئله حل نمی‌شود، برای این است که هر کس می‌خواهد آن را مطابق سلیقه و ذوق خود حل نماید. رعایا امنیت مالی را از محسنات حکومت می‌دانند، در صورتی که سیتو اینها آزادی افراد را. یکی امنیت مالی را ترجیح می‌دهد، دیگری امنیت بدنی را، یکی سخت‌ترین و خشن‌ترین حکومت‌ها را بهترین حکومت‌ها می‌شمارد، دیگری ملایم‌ترین و مهربان‌ترین آنها را. این یکی میل دارد جنایات را مجازات نماید، دیگری دلش می‌خواهد با وسایل اخلاقی از وقوع جنایات جلوگیری شود. یکی می گوید باید دولت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

سبب وحشت همسایگان خود شود، دیگری صلاح می‌داند کشور گمنام باشد تا همسایگان آن را کمتر بشناسند. یکی از فراوانی پول خشنود است، دیگری از وفورارزاق - اگر در موضوع‌های فوق یا مواردی شبیه به آن نیز توافق نظر حاصل شود، باز بی‌نتیجه است. زیرا چون کمیت‌های اخلاقی و معنوی مقیاس صحیحی ندارند. ولو این که در علایم و آثار آن متفق باشند، در اندازه گرفتن آن نمی‌توانند موافقت حاصل کنند.

الیکن من تعجب می کنم چگونه مردم ساده ترین علامت حکومت خوب را نمی‌شناسند، یا در نشناختن آن اصرار دارند! مقصود از اتحادیه های سیاسی چیست؟ بقا و ترقی افراد آن اتحادیه. روشنترین علامت بقا و ترقی مردم کدام است؟ ازدیاد نفوس. غیر از علامت فوق نشان دیگری برای تشخیص سعادت و عمران یک کشور جست و جو نکنید. در شرایط مساوی، حکومتی که تحت لوای آن، بدون تغییر تابعیت، بدون وجود مستملکات، جمعیت بیش تر تکثیر می‌یابد، قطعا بهترین حکومت‌هاست. حکومتی که رعایای آن کم می شود یا به کلی از بین می‌رود از همه بدتر است. حالا دیگر نوبت محاسبین و مأمورین آمار است که حساب کنند، اندازه بگیرند و بسنجند.

اراده عمومی از بین نمی رود تا زمانی که گروهی از افراد بشر که دور هم جمع شده‌اند خود را مانند یک تن می‌دانند، دارای اراده واحدی هستند که فقط به بقا و آسایش عموم توجه دارد. در این حال تمام فنرهایی که چرخ مملکت را به کار می اندازد ساده و محکم است.

طرز کار و فکر دولت کاملا واضح بوده و منافع آن مبهم و متضاد نیست. اسباب سعادت عمومی آشکار بوده با کمی شعور تشخیص داده می‌شود. زیرا آرامش، اتحاد و مساوات، با پیچ وخم‌های سیاست مباینت دارد. اشخاص درست و بی آلایش را به واسطه همان سادگی شان به اشکال می‌توان فریب داد. حقه بازی‌ها و استدلالات پیچیده کمتر در ایشان اثر دارد. حتی به اندازهای باریک بین و تیزهوش نیستند که معنای کلمات زبان بازان را فهمیده فریب آنها را بخورند. وقتی که می‌بینیم در یکی از سعادتمندترین کشورهای دنیا، گروه دهاقین در زیر درختان گرد هم آمده امور میهن خود را تنظیم نموده، همواره از روی عقل رفتار می‌نمایند، آیا حق نداریم سایر ملل را که زیاد دقیق بوده، هنر خود را در راه تحصیل شهرتی که جز بدبختی نتیجه ندارد به کار می‌برند، تحقیر نماییم؟

کشوری که به این سادگی اداره می‌شود احتیاج به قوانین زیاد ندارد. هر وقت به قانون تازه‌ای احتیاج پیدا می‌شود، عموم افراد لزوم وضع آن را درک می‌کنند. آن کسی که اولین بار قانونی را پیشنهاد می‌نماید، فقط آنچه را که قبلا همه حس کرده‌اند به زبان می آورد. موقعی که هر فرد اطمینان پیدا کرد دیگران هم برای انجام امر لازمی آماده هستند، به اجرای آن مصمم می‌شود و در این حال بدون بندوبست و سخن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

سرایی می‌توان آنچه را که عموم با آن موافق هستند به صورت قانون درآورده به تصویب رسانید. (روسو، ۱۳۹۶، ص ۱۸۴)

آنچه استدلال کنندگان ما را به خطا می‌اندازد این است که چون فقط با دولتی سروکار دارند که از همان ابتدا به غلط تشکیل یافته است، تعجب می‌کنند چرا نمی‌شود انتظاماتی شبیه به آنچه در بالا ذکر شد در آن دول برقرار نمود. هر وقت به یاد مزخرفاتی می‌افتند که یک حقه باز ماهر یا یک ناطق زبردست می‌تواند به مردم پاریس یا لندن بقبولاند، از خنده خودداری نمی‌کنند. لیکن نمی دانند اگر کرامول در کشور برن پیدا شده بود، یا اگر دوک دوبوفور در سرزمین ژنو می‌زیست به سختترین مجازات ها محکوم می‌شد. ولی موقعی که رابطه اجتماعی رو به سستی می‌گذارد و دولت ضعیف می‌شود، وقتی که منافع خصوصی افراد محسوس گشته، جامعه‌های کوچک یعنی فرق مختلف، جامعه بزرگ یعنی ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن وقت است که منافع عمومی لطمه می‌بیند و مخالف پیدا می‌کند. دیگر در هیچ امری اتفاق آرا حاصل نمی‌شود، دیگر اراده عمومی اراده همه نیست. آن وقت است که باب مباحثات باز می‌شود و نظریات موافق و مخالف با هم مبارزه می‌نماید و حتی بهترین عقیده‌ها نیز بدون مشاجره به تصویب نمی‌رسد. بالاخره هنگامی که دولت نزدیک به زوال است و فقط شبحی بی خاصیت از آن باقی است، هنگامی که رابطه اجتماعی در تمام قلب‌ها پاره می‌شود و کثیف‌ترین منافع خصوصی امر مقدس سعادت عمومی را لکه دار می‌سازد، اراده عمومی به کلی سکوت اختیار می‌نماید. در این هنگام مثل این است که دولتی وجود ندارد و همه افراد به علل پنهانی و بدون این که نفع میهن را در نظر بگیرند، رأی می‌دهند: بدین ترتیب احکام ظالمانه‌ای که فقط متوجه منافع خصوصی است به دروغ به اسم قانون به تصویب می‌رسد. (روسو، ۱۳۹۶، ص ۱۸۵)

آیا باید از بیانات فوق نتیجه گرفت که اراده عمومی فاسد شده یا از بین رفته است؟ خیر، اراده عمومی همواره ثابت و خالص است، لیکن تابع اراده‌های دیگری می باشد که بر وی چیره شده است. هر فردی هنگامی که می‌خواهد منافع خود را از منافع مشترک جدا سازد، خوب ملتفت می‌شود که نمی‌توان این دو را کاملا از هم تفکیک نمود. لیکن در برابر نفع شخصی که می خواهد به دست بیاورد، سهمی را که از پریشانی اوضاع عمومی نصیب او می شود ناچیز می‌شمارد. از این نفع خاص که بگذریم، او نیز به اندازه دیگران برای سود خود، سعادت عموم را می خواهد. حتی موقعی که رأی خود را می‌فروشد، اراده عمومی در فکرش خاموش نگشته بلکه موقتا به عقب رانده شده است. تقصیر او این است که موضوع طرح شده را تغییر می دهد، یعنی به پرسشی غیر از آنچه که از وی می‌شود پاسخ می‌گوید. مثلا به عوض این که هنگام رأی دادن اظهار دارد برای دولت مفید است که فلان نظریه تصویب شود، می‌گوید برای فلان شخص یا فلان گروه مفید است. بنابراین برای حفظ نظم عمومی کافی نیست که در مجالس ملی فقط اراده عمومی را

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

خالص نگاه داریم، بلکه باید کاری کرد که همیشه آن اراده مورد پرسش قرار گیرد، و همواره پاسخ بدهد. راجع به حق رأیی که هر یک از افراد ملت دارا می‌باشد (حقی که به هیچ وجه نمی‌توان از وی سلب نمود)

پاسخگویی سیاسی در سیستم دموکراسی مدرن

پاسخگویی سیاسی در جوامع مدرن، پاسخ دادن و توضیح دادن یک مقام سیاسی مانند وزیر به سایر مقامات یا سازمان‌های سیاسی مانند مجلس قانونگذاری، کمیسیون های دائمی و ویژه پارلمانی، رئیس جمهور با نخست وزیر می باشد. پاسخگویی مسئولان سیاسی مقامات حکومت محلی به مقامات حکومت مرکزی نیز از اقسام پاسخگویی سیاسی است.

برای ارتقا و توسعه پاسخگویی موثر سیاسی، ساختار نظام سیاسی باید غیر متمرکز شده، نظام انتخاباتی اصلاح گردیده، احزاب سیاسی ایجاد شوند و آزادی اطلاعات و مطبوعات تأمین گردد.

مقامات اداری و مستخدمین دولتی یا بوروکرات ها، پاسخگوی سیاسی نیستند. در عوض، وزرا در ازای تصمیم ها و اقداماتی که مستخدمین دولتی از طرف آنها اتخاذ می کنند به پارلمان، رئیس جمهور و سازمان های بازرسی و مقامات ذیحسابی باید پاسخ دهند. بنابراین، درک بهتر پاسخگویی سیاسی مشروط به فهم نحوه ارتباط مستخدمین عمومی و وزرا و نیز نقش آنها در تصمیم سازی و تاثیرگذاری آنان در تصمیم‌ها و نتایج نهایی برنامه ها و سیاست های سازمانی و وزارتی است. در سایه نظرات جدید و اصلاحات اداری، به نظر می رسد که مقامات اداری باید سهم بیشتری از مسئولیت ها را در اعمال قدرت اجرایی و اداری نسبت به مدل کلاسیک و سنتی سلسله مراتب اداری بر عهده بگیرند.

در مدل سنتی سلسله مراتب اداری، وزیر بالاترین شخص سیاسی و اجرایی وزارتخانه شناخته می‌شود و به طور رسمی و قانونی کلیه تصمیم‌های مهم به وسیله او و به نام او، ولی با همکاری مستخادمین دولتی و مقامات اداری گرفته می‌شود. در این مدل، فرض بر این است که مستخدمین دولتی گمنام و ناشناخته، با ثبات شغلی و از نظر سیاسی بی‌طرف و خنثا هستند. (D. Drewry and T. Butcher,2003, 150)

وزیر مربوطه از نظر قانون اساسی باید کلیه اشتباهات و تقصیرات و سوء مدیریت‌های ماموران و مستخدمین دولتی را بپذیرد در صورت مقتضی استعفا دهد یا به نحوی جبران خسارت نماید. از نظر قانون اساسی، مستخدمین دولتی نه شناخته شده‌اند و نه در پارلمان و کمیسیون‌های پارلمانی پاسخگو هستند (Colin Turpin, 2007, 109)

اما در واقعیت امر، مستخدمین دولتی و بوروکرات‌ها نه بی‌طرف هستند، نه گمنام و نه ناشناخته. وزا در عمل ممکن است در لابلای چرخ های بوروکراسی، قدرت خود را از دست بدهند و تحت تاثیر گزارش‌ها و اطلاعات غلط و جهت دار و به اصطلاح کنترل شده و در سیاست گزاری‌ها کانالیزه شوند. (D. Drewry and T. Butcher,2003, 153) در دنیای امروز، این افسانه ای بیش نیست که وزیری بتواند کلیه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

تصمیم‌های مهم و ضروری را خود به تنهایی بگیرد. چنین واقعیتی با شواهد بسیاری قابل توجیه است، از جمله این که وزرا دقت کافی و دانش و تجربه کارشناسی مفید برای تصمیم‌گیری‌ها ندارند. آنها غالبا در هنگام کسب مقام وزارت دارای سیاست‌ها و برنامه‌های از پیش تعیین شده نیستند یا اگر هستند در حد بسیار کلی و اجمالی است. به این علت باید به کارشناسان و مشاوران و مستخدمین عمومی تکیه نمایند تا سیاست‌های کلان خود را به صورت طرح‌ها و پروژه‌های قابل اجرا و عملیاتی درآورند. در این فرایند است که مقامات سیاسی به وسیله تکنیک‌ها و روش های بوروکراتیک مانند گزارش‌های ابتدایی جهت دار، اطلاعات کنترل شده، بسیج بخش‌ها و نیروهای درون سازمانی علیه سیاست‌های وزیر جدید و نیز درز کردن و افشای اطلاعات و وضعیت وزارتی برای تخریب اعتبار عمومی آنها، مورد کنترل مقام‌ها و ماموران اداری قرار می‌گیرد. (زارعی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۴)

از این دیدگاه، باور این که مستخدمین دولتی و بوروکرات ها به عنوان خود وزرا در چارچوب وزارتی و سازمانی عمل کنند، به سختی قابل پذیرش است. باید اضافه نمود که در بسیاری از موقعیت ها، تصمیم ها و سیاست های یک وزیر در واقع تحت تاثیر فرایندی طولانی از تعامل و تاثیر متقابل و روابط بین وزارتی و سازمانی با عکس العمل زنجیره وار خارج سازمانی است که وزیر مربوطه نقش اندکی در شکل گیری آن داشته است.

بنابراین علل، تغییرات عمده‌ای در پارادایم نظام اداری سنتی «وبری» در حال وقوع است. همانطور که معروف است مدل وبری «تبلور مفهوم عقلی - حقوقی اقتدار اداری است که متکی به سلسله مراتب مقررات و قوانین و اعتقاد به تفکیک موثر منافع فردی از وظایف و اهداف سازمانی است» (Andrew Massey, 2005, 23) در مقایسه با این مدل، ویژگی ای پارادایم جدید یا مدیریت دولتی نوین در «قابل پیش‌بینی بودن، استراتژیک، نتیجه محور، مبتنی بر رهبری اجرایی، بازار - محور، مشتری - مداری و کارآفرینی» منحصر می‌شود.

هسته اصلی این پارادایم جدید، پاسخگویی مقام‌های اداری به قوانین و مقررات کنترل قضایی فرایندهای اجرایی و اداری، وفاداری به قراردادهای اداری، نقش نیروهای بازار، منشور شهروندی و مرامنامه‌ها و کدهای اخلاق حرفه‌ای است. بنابراین، پاسخگویی سنتی و سلسله مراتبی مقام‌های اداری به وزرا، باید به نفع پاسخگویی بیشتر آنها به شهروندان و دادرسان و پارلمان، مهندسی و سازماندهی دوباره شود.

نتیجه‌گیری

قرارداد اجتماعی یک موضوع پیچیده نیست، بلکه برای ساده کردن موضوعات پیچیده‌ی ارتباط ملت و دولت است. زیربنای فرهنگ ملت متمدن نیز بر اساس قرار اجتماعی تشکیل شده است که در آن حکومت مستبد کنار زده می‌شود و دموکراسی با یک دیدگاه مدرن پیش میرود. ژان ژاک روسو با فَهم موجودیت

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

انسان باکرامت به احترام متقابل حکومت و ملت پی برد و با در نظر گرفتن نظریات فیلسوافان پیش از خودت به ارتباط عمیق و سالم حکومت و ملت رنگ بخشید. قرارداد اجتماعی نظریه ای بود که زیربنای تمدن مدرن را در دموکراسی ساخت و همچنین پایه و اساس انقلابی به دموکراسی افزود. اگر تفکیک موضوعی قدرت (تفکیک قوا) در بین ملت متمدن امروز جای دارد و دموکراسی بنای عقلا محسوب می‌شود به خاطر قرارداد اجتماعی است که حکومت و ملت را در برابر هم مسئول می کند و همکاری این دو را برای تعیین سرنوشت یک جامعه مشخص می‌نماید.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ بیتام، دیوید، دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه محمدتقی دلفروز، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۳.

ـ زارعی، محمد حسین، تحلیلی از پیوند حقوق اداری و مدیریت دولتی بر پایه حاکمیت قانون، ۱۳۷۶

ـ روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، نشر نی، ترجمه ی غلامحسین زیرک زاده، ۱۳۹۶.

ـ روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، نشر نی، ۱۳۹۴.

ـ زارعی، محمد حسین، گفتارهایی در حقوق عمومی مدرن (حاکمیت قانون و دموکراسی)، انتشارات خرسندی، .۱۳۹۴

ـ کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳

ـ هانتینگتون، ساموئل، موج سوم دموکراسی، ترجمه احمد شهسا، تهران، روزنه، ۱۳۸۱

منابع لاتین

__ Amy Gutmann, Democracy, in Robert E. Goodin and P. Pettit (Editors), A Compantion to Contemporary Political Philosophy, Blackwell, 1993, pp 412-13.

__ Leslie Friedman Goldstein, In Defence of the Text, Democracy and Costutional Theory, p. 195.

__ Frank, Thomas M. , Democracy, Legitimacy and the Rule of law, in Norman Dorsen and Prosser Gifford (ed.), in Democracy and the Rule of Law, CQ Press, 2001, pp. 172-73.

__ Gutmann, Amy Democracy in Robert E. Goodin and Philip Petit (eds) A. Companion to Contemporary Political Philosophy (England, Basil Blackwell Ltd 1993). , p 411.

__ D. Drewry and T. Butcher, The Civill Service Today, p 150-51, see also: Dennis Kavangh, British Politics: Continvities and Changes, p. 336.

__ Colin Turpin, Ministerial Responsibility in Oliver and Lester (esd) Changing Constitution, p. 109-51.

__ D. Drewry and T. Butcher, op cit p 153. , G. Drewry, Revolutio whithall: The Next Steps and Begond in Oliver and Lester (eds), p. 160. Andrew Massey, Civil Service Reform and Accountability Public Policy and Adininistration, p 23.

__ Dakerson, Ronald, J. Governance Structures for linhancing Accountability and Responsiveness in James L. Perry (ed) Handbook of Public Admintration, Jossey - Bass Publishers (1989) , , pp. 15-16.

__ Lylnad, James, L. Democratic Theory: The Philsophycal Fuundations (England, Manchester University Press, 1995), , pp. 57-58.

Stefan Sjoblom, Transparency and Citizen Participation in, LUC Roban (cd) Citizens and the New Government, pp. 14-27.

James L Lylnad, Democratic Theory: The Philsophycal Foundations, p .163.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-19]